

## گستره و ویژگی‌های قاعده استاپل در حقوق عمومی داخلی

ستار مشایخی<sup>۱</sup>، حمیدرضا آدابی<sup>۲</sup>

### چکیده

قاعده استاپل امروزه نقش موثری در تحقق دادرسی مبتنی بر عدالت و انصاف ایفا می‌کند. قاعده استاپل متضمن دو عنصر اساسی تضاد و تناقض در گفتگو و رفتار طرفی است که مشمول استاپل می‌باشد و باتوجه به اینکه مبنای قاعده مزبور اصل ضرورت حسن نیت است حقوق خصوصی آن را وسیله‌ای برای نیل به عدالت و انصاف می‌داند. در واقع قاعده استاپل همان ادبیاتی است که به صورت کلاسیک و سنتی در دهه‌های اولیه شناسایی انتظارات مشروع از آن استفاده می‌شده است، این اصل همانند قاعده استاپل به نوعی به ثبات حقوق افراد کمک می‌کند با این تفاوت که قلمرو اعمال انتظارات مشروع صرفاً در حوزه حقوق عمومی و در ارتباط میان افراد و دولت می‌باشد. از اهداف پژوهش حاضر معرفی قاعده استاپل و کارکرد آن در حوزه حقوق عمومی داخلی می‌باشد. سوال اصلی که برای پژوهش حاضر مدنظر است این می‌باشد که گستره و ویژگی‌های قاعده استاپل در حقوق عمومی داخلی چیست که به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به سوال فوق می‌باشد. یافته‌های پژوهش بیان دارد که قاعده استاپل بعنوان یکی از اصول بنیادین حقوق، امروزه در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی دارای کاربرد و فواید فراوانی است. یکی از اثرات مهم قاعده این است که دولت‌ها را مأخوذ به رفتار و گفتار و توصیف‌هایی می‌نماید که گفته می‌شود به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند چرا که آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند دال بر قصد و اعتقاد و برداشت حقوقی آنها از یک واقعیت است و نمی‌توانند هر وقت منافع‌شان ایجاب نمود موضع و رفتاری متناقض با گذشته اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی: قاعده استاپل، اصل انتظارات مشروع، حقوق عمومی داخلی

<sup>۱</sup> کارشناسی‌ارشد حقوق ثبت اسناد و املاک، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری satar.mashayekhi@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار، دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

## مقدمه

قاعده استاپل بعنوان یکی از اصول بنیادین حقوق، امروزه در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کاربرد و فواید فراوانی دارد. یکی از اثرات مهم قاعده این است که دولت‌ها را مایه‌خود به رفتار و گفتار و توصیف‌هایی می‌نماید که گفته می‌شود به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند چرا که آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند دال بر قصد و اعتقاد و برداشت حقوقی آنها از یک واقعیت است و نمی‌توانند هر وقت منافع‌شان ایجاب نمود موضع و رفتاری متناقض با گذشته اتخاذ نمایند.

جوامع بشری برای رشد نیاز به قوانینی دارند که از افراد در مقابل پیمان‌شکنی، نقض قرارداد و معاملات حمایت کند. نقایض و کاستی‌های قانونی نه تنها برای فرار اشخاص از زیر بار مسئولیت‌های قراردادی و ایجاد ضرر برای دیگران، حربه مناسبی است بلکه سبب کاهش تمایل به انعقاد معاملات و قراردادهای می‌شود. جامعه‌ای که در آن آنقدر امنیت حقوقی برقرار است که طرفین یک رابطه از لحاظ ذهنی آگاه و معتقد هستند که کلیه رفتارها و گفتارهایشان از ابتدای مذاکرات اولیه تا انعقاد قرارداد و حتی تا زمان اجرای مفاد قرارداد قابلیت استناد به ضرر و یا به نفع‌شان را دارد دیگر نیازی به انعقاد قراردادهای رسمی بسیار با شرایط و اصول و تبصره‌های فراوان برای ثبت تعهدات کتبی یا شفاهی طرفین و یا حتی ضبط اوضاع و احوال خاص زمان انعقاد قرارداد نمی‌بینند و با آسایش خاطر بیشتر وارد عرصه معاملات و قراردادهای می‌گردند و این امر نه تنها سبب گسترش معاملات می‌گردد بلکه سبب کاهش دعاوی مطروحه در مراجع قضایی نیز می‌گردد. یکی از اصولی که مانع بروز چنین وضعیتی می‌شود و در برابر بی‌عدالتی‌ها قرار می‌گیرد قاعده استاپل یا همان منع تناقض‌گویی به زبان دیگری است.

از اهدافی که می‌توان برای مقاله پیش‌رو برشمرد، معرفی قاعده استاپل و کارکرد آن در حوزه حقوق عمومی داخلی است. مباحثی که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد شامل مفهوم و ماهیت حقوق قاعده در اصل انتظارات مشروع در حقوق عمومی داخلی، بررسی ویژگی‌های قاعده استاپل و انواع آن در حقوق بین‌الملل و همچنین شرایط تحقق اصل انتظارات مشروع در حقوق عمومی داخلی و در نهایت گستره اعمال اصل انتظارات مشروع در حقوق عمومی داخلی می‌باشد.

## ۱- مفهوم و ماهیت قاعده استاپل

این بخش شامل سه مبحث بصورت جداگانه می‌باشد که در مبحث اول آن به تعریف و تحلیل مفهومی قاعده استاپل پرداخته خواهد شد. در مبحث دوم جایگاه و ماهیت حقوقی قاعده استاپل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در نهایت در بحث سوم به مفهوم و ماهیت اصل انتظارات مشروع اختصاص یافته است.

### ۱-۱- تعریف و تحلیل مفهومی قاعده استاپل

واژه استاپل از نظر لغوی به معنای مانع است و ریشه در زبان فرانسه دارد (Martin, 1990: 153). از آنجائیکه این لغت دال بر مفهوم یک قاعده حقوقی کم و بیش متفاوت در سیستم‌های حقوقی مختلف است لذا پیدا کردن معادلی دقیق برای آن در زبان‌های مختلف به خصوص در زبان فارسی مشکل است. در زبان فارسی عموماً از واژه استاپل استفاده می‌شود چرا که نمی‌توان واژه‌ای را پیدا کرد که تمامی معانی و مفاهیم مندرج در واژه استاپل را در بر گیرد.

در کتب و مقالات حقوقی دو تعریف موسع و مضیق برای تشریح قاعده استاپل بکار برده شده است. مفهوم مضیق آن دربرگیرنده اصل عدم تناقض کرداری یا گفتاری مانند (منع تناقض‌گویی به زبان دیگری و یا منع انکار بعد از اقرار و ...) در مراجع قضایی است. در حالیکه مفهوم موسع آن با داشتن قلمرو وسیع، مفاهیم دیگری چون (رضایت، سقوط حق، ترک حق، اهمال در مطالبه حق) را نیز در بر می‌گیرد (گایبار، ۱۳۶۵: ۲۳۷). در نوشته‌های مختلف حقوقی، از استاپل تعاریف مختلفی توسط حقوقدانان به عمل آمده که برای دستیابی به یک تعریف جامع و مانع لازم است تعاریف مذکور را مورد بررسی قرار دهیم:

فرهنگ حقوقی بلک، استاپل را چنین تعریف می‌کند: «استاپل عبارت است از اینکه یک طرف دعوی از مطالبه حقی به ضرر دیگری، که به اعمال و رفتار آن اعتماد و مطابق آن عمل کرده است، ممنوع می‌شود. ۷۱ استاپل هنگامی مطرح می‌شود که شخص به موجب قانون از سخن گفتن برخلاف سند یا فعل خودش ممنوع می‌شود. زیرا وضعیت یا رفتار متناقضی را که موجب زیان دیگری شود نمی‌توان پذیرفت. استاپل مانعی است که انکار حقایق یا وضعیت‌هایی را که در نتیجه ادعا، عمل و یا قضاوت‌های قبلی و نهایی موضوع در دادگاه ایجاد شده، ممنوع می‌سازد (Black, 2009: 286-285).

تعریف لنگان نیز از استاپل چنین است: «استاپل متضمن ممنوعیت طرف دعوی از اثبات یا رد موضوع خاصی است بر این اساس که وجود یا عدم آن، سابقاً به وسیله یک عمل حقوقی، بطور قطعی علیه عموم یا شخص خاصی احراز شده است» (Langan, 1976: 168).

و در نهایت در یک دلیلیو باوت در تعریف استاپل چنین می‌گوید: «استاپل عبارت است از ممنوعیت یک طرف از منتفع شدن از رفتار متناقض‌اش به ضرر طرف دیگر که با حسن نیت به توصیفات او اعتماد کرده است» (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۵). ولیکن ایراد وارد بر این تعریف این است که استاپل برای جلوگیری از ایراد خسارت و متضرر شدن طرف استناد کننده به استاپل است نه برای جلوگیری از منتفع شدن طرف ماخوذ با استاپل، گرچه عموماً این اثر را نیز در بردارد چرا که ممکن است در بعضی موارد اگرچه طرف اتخاذ کننده مواضع متناقض از رفتار و گفتار متناقض خود منتفع بشود لیکن ضرری نیز به طرف دیگر وارد نیاید.

در نهایت در تعریف استاپل می‌توان گفت: استاپل ممنوعیت شخص از اتخاذ مواضع، انکار و یا ادعای هر چیزی که متناقض با آنچه قبلا به واسطه اعمال و گفتار و مواضع خود به طرق مختلف چه به صورت کتبی، چه شفاهی و چه بطور صریح، چه ضمنی بعنوان واقعیت پذیرفته و یا توصیف کرده است، می‌باشد.

پیدایش قواعد منصفانه‌ای نظیر استاپل در پاسخ به بی‌عدالتی‌هایی است که طرفین یک رابطه حقوقی ممکن است دچار آن گردند، غیر از نابرابری‌ها و عدم موازنه‌ای که ممکن است در هر رابطه‌ای وجود داشته باشد و ناشی از حوادث و اتفاقات غیرقابل کنترل و یا ناشی طبیعت امور می‌باشد. بسیاری از پیمان شکنی‌ها و نقض تعهدات و توافقات نیز به سبب عمل یک طرف رابطه، چه عمدی یا غیر عمدی صورت می‌گیرد. تقلب، تدلیس، قصور و یا عدم حسن نیت هر کدام از طرفین یک رابطه حقوقی در هر یک از مراحل مذاکره، تفکر، انعقاد و یا اجرای یک پیمان کتبی یا شفاهی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم می‌تواند سبب ورود خسارت به طرف یا طرفین دیگر آن رابطه گردد و این چیزی است که از ناحیه هر نظام حقوقی محکوم و مطرود است. در واقع فلسفه و هدف اصلی از پیدایش و بکارگیری قواعدی نظیر استاپل را باید در جلوگیری و ممانعت از این تقلبات و تقصیرات دانست و از این جهت باید آنها را مرادف با نظم عمومی و اخلاق حسنه دانست، مواعی که در هر نظام حقوقی خط قرمزی برای اعمال و رفتار مخاطبان آن نظام می‌باشد. به عبارت دیگر باید پذیرفت استاپل با ویژگی‌های برشمرده شده، در حقوق آن دانسته از کشورهایی راه یافته است که تاکید بر دادرسی منصفانه و مبتنی بر حسن نیت و تشویق به پیشبرد عدالت جزء اصول ابتدایی آنهاست (George, 1977: 88). در واقع می‌توان گفت هر چقدر رویکرد نظام‌های مختلف حقوقی به اصل ضرورت حسن نیت بیشتر باشد حمایت آن نظام از افراد در مقابل تقلبات، تقصیرات و یا اشتباهات و قصورات افراد دیگر، قوی‌تر و در نتیجه زمینه اجرای قاعده استاپل مهیاتر می‌باشد. اصل ضرورت حسن نیت بعنوان یک قاعده آمره در بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا پذیرفته شده و اعمال می‌گردد (افتخار جهومی و شهبازی‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۳).

## ۱-۲- جایگاه و ماهیت حقوقی قاعده استاپل

در بررسی مفهوم قاعده حقوقی لازم است که وصف حقوقی را در مقابل و در ارتباط با وصف غیرحقوقی مدنظر قرار دهیم. اصولا قاعده غیرحقوقی قاعده‌ای مربوط به اخلاق و نزاکت است اما گاهی ضرورت‌های زندگی ایجاب می‌کند که قاعده اخلاقی دارای اهمیت ویژه شده و به نحوی لازم آید حکم مندرج در قاعده اخلاقی دارای ضمانت اجرا گردیده و تبدیل به قاعده حقوقی گردد. به محض اینکه اعتقاد به ضرورت قاعده و لزوم تضمین آن در وجدان عمومی شکل گیرد قاعده از مرز اخلاقیات گذشته و وارد قلمرو حقوقی می‌گردد. چه به شکل قانون یا عرف و چه به شکل اصل کلی حقوقی.

لازم به ذکر است که قاعده حقوقی میان دو واقعه ایجاد ارتباط می‌نماید که این ارتباط، رابطه‌ای استنادی است. رابطه‌ای که میان این دو وجود دارد به لحاظ ماهیت، قاعده حقوقی است که رفتار خاصی را مجاز یا ممنوع می‌داند (فلسفی، ۱۳۷۰: ۵۶). قاعده حقوقی به تبیین آن نتایجی می‌پردازد که باید بر وقایع محل گردد، حال این نتایج ممکن است متضمن نوعی ممنوعیت یعنی الزام به انجام یا عدم انجام چیزی باشد. همچنین قاعده حقوقی به واقعه حقوقی وصفی را می‌بخشد که ذاتا فاقد آن بوده در واقع می‌توان گفت قاعده حقوقی قضیه‌ای حقوقی است که بطور کلی نحوه رفتار انسان را در قلمرو امور مادی معین می‌کند (همان، ۱۷۲).

باتوجه به مطالب فوق، قاعده حقوقی حکمی را بر واقعه‌ای جاری می‌نماید که برای اجرای حکم قاعده در مورد واقعه باید آن موضوع با حکم قاعده تطبیق داده شود و برای انجام این امر با فرض اثبات قاعده باید از مفاهیم انتزاعی به واقعیت رسید. لذا ابتدا باید وجود واقعه اثبات گردد و سپس ماهیت آن مشخص شود، اثبات واقعه مستلزم اقامه دلیل است و شناخت ماهیت واقعه منوط به ادراک رابطه میان قاعده حقوقی و واقعه عینی است. در نهایت باید گفت قاعده استاپل نیز حاوی حکم حقوقی است و متضمن ممنوعیت تضاد و تناقض است و درخصوص ابعاد و ماهیت واقعه عینی و تطبیق آن با قاعده استاپل (همان، ۱۶۲).

بسیاری از حقوقدانان استاپل را تنها یک قاعده ادله اثبات می‌دانند که هر کجا عدالت اقتضا کند، از اثبات یا انکار موضوعی جلوگیری می‌کند و برخی دیگر با استناد به پاره‌ای از آراء دادگاه‌ها، آن را قاعده ماهوی و موجد حق برای ذینفع آن می‌دانند. قاعده استاپل بعنوان قاعده شکلی و جزء ادله اثبات دعوی می‌باشد. ادله جمع دلیل است و به معنای وسیع، نمایش حقیقت یا واقعیتی است که مدعی در مقام اثبات صحت دعوی خویش به آن استناد می‌کند. در دعوی حقوقی، دلیل و حوادث و اوضاع و احوال، وسایلی هستند که در اثبات ادعا موثر می‌باشند. قاعده مربوط به ادله اثبات دعوی نیز در رد یا قبول دلیل موثر است و صرفا اظهار می‌دارد که به خاطر احقاق حقوق، چه موضوعاتی ممکن است اثبات شوند و یا در آن راستا اثبات چه موضوعاتی ممکن نیست اما قاعده ماهوی دربرگیرنده حکمی است که اثر آن اعطای حق به یک طرف و شناسایی حق اوست (ملکم، ۱۳۷۲: ۲۲۴-۲۲۲).

بسیاری از علمای حقوق بین‌الملل، معتقدند که قاعده استاپل یک قاعده ماهوی است چراکه در ایجاد یا اعلام حقی مستقیما موثر واقع می‌گردد و گاهی حقوق قانونی ایجاد می‌نماید. در اینجا اشاره‌ای به برخی از نظرات آنها می‌پردازیم:

قاضی آلفارو بیان می‌کند: «از نظر من قاعده استاپل دارای جنبه ماهوی است خلاصه اینکه اثرات حقوقی این قاعده آنقدر اساسی است که خودش به تنهایی تعیین تکلیف می‌کند و دعوی را فیصله می‌دهد».

قاضی سرفردریک فولک<sup>۱</sup> معتقد است که: «استاپل اغلب بعنوان یک قاعده ادله اثبات تلقی می‌شود اما مفهوم عمومی و صحیح‌تری که مورد نظر واقع شده این است که استاپل بعنوان یک قاعده حقوقی ماهوی تلقی شده است» (افتخار جهرمی و شهبازی‌نیا، پیشین: ۱۵).

قاضی برد<sup>۲</sup> نیز در نظری مشابه نظر فولک می‌گوید: «قاعده استاپل اغلب بعنوان یک قاعده ادله اثبات توصیف می‌شود اما صحیح‌تر این است که استاپل یک قاعده حقوقی ماهوی می‌باشد» (همان، ۱۷).

### ۱-۳- مفهوم و ماهیت اصل انتظارات مشروع

انتظار مشروع به منافع، خواسته‌ها و ادعاهای موجه و معقولی گفته می‌شود که در روابط متقابل افراد و مقامات دولتی در اثر اعلام‌ها، اظهارات، اقدامات و برنامه‌ها و رویه‌های اداری آنها ایجاد می‌شود بنحویکه عدم توجه و ناکام گذاردن آنها ضمن نقض تمایلات معقول سابق، موجب ورود خسارت یا سلب منفعت افراد مخاطب و متاثر از تصمیمات و اقدامات مقامات اداری دولتی می‌گردد و بدین جهت که این انتظارات مستلزم نوعی حمایت حقوقی می‌باشد. مقام عمومی با اظهارات خود اقرار و اعتراف می‌کند که سیاستی را باید انجام دهد و به این طریق خود را متعهد می‌کند و ایجاد انتظار موجه در مردم می‌نماید بدین نحو که افراد برنامه‌های خودشان را براساس آن شکل داده و به اتکال آن زندگی خودشان را سامان می‌دهند در نتیجه اگر این انتظارات پاسخ داده نشود باعث ورود خسارت به آنها خواهد شد.

۷۴

در واقع انتظار مشروع حق نیست یا اینکه امتیازات مبتنی بر اعطای قانونگذار نیست بلکه ماهیت آن ادعای معتبری است که در اثر اعلامات، تصمیمات و یا رویه مقامات دولتی ایجاد می‌شود. این انتظارات خواسته‌های موجهی هستند که نه جنبه حق سیاسی دارند نه جنبه حق مالی بلکه ادعاهایی هستند که هنوز مستقر نشده‌اند و از سوی تصمیم‌قضایی و یا رویه مورد شناسایی قرار نگرفته‌اند. به عبارت دیگر انتظارات مشروع مبتنی برخواست یا مصوبه قانونگذار نیستند در حقیقت آنها خلایی را پر می‌کنند که اصولاً در ارتباط بین مردم و دولت ایجاد می‌شود ولی این شکاف توسط قانونگذار و رویه پر نشده است.

بر این اساس انتظار می‌رود در مواردی که حقوقی مشخص به وسیله قانونگذار برای شهروندان لحاظ نشده است، ترتیبات امر، وضع قوانین و اجرای آنها بگونه‌ای باشد که از اضرار به حقوق شهروندان جلوگیری شود. بدین توضیح که مقامات عمومی با اظهارات، سیاست‌ها و برنامه‌های خود اقرار و اعتراف می‌کنند به اینکه سیاستی را باید انجام دهند و در واقع، هم خود را متعهد می‌کنند و همچنین ایجاد انتظار موجه در مردم می‌نمایند که اگر براساس آن انتظار موجه، توسط اشخاص، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی زندگی صورت گرفته

<sup>1</sup> Sir. Frederick Pollok

<sup>2</sup> Berd

باشد و افراد به اتکای آن زندگی خودشان را سامان داده باشند در صورتیکه اظهارات پاسخ داده نشود موجب خسارت یا سلب منفعت آنها خواهد شد در اینجاست که اصل انتظارات مشروع می‌تواند بعنوان یکی از اصول تضمین کننده حقوق شهروندان در جامعه نقش بسیار مهمی را ایفا کند بطوریکه مردمی که مخاطب مقامات عمومی و دولتی هستند و سیاست‌ها و برنامه‌هایشان در زندگی آنها موثر واقع شده می‌توانند به اطلاعات و اظهارات مقامات استناد کنند و درخواست رسیدگی عادلانه را نمایند.

توافق نسبی در باب تعریف انتظار مشروع، مانع اختلاف نگرش‌ها در خصوص ماهیت این قبیل انتظارات نبوده و در نهایت موجب نگرش متفاوت کشورها در نحوه اعمال حمایت موثر حقوقی از این قبیل انتظارات بوده است. از یکطرف عده‌ای معتقدند احترام به انتظار مشروع در واقع رعایت نوعی حق است. حتی که در خلال تصمیمات و رویه‌های اداری و اجرایی تعریف می‌شود و مورد استناد ذینفع قرار می‌گیرد. از اینرو، انتظار مشروع را باید در زمره یکی از حق‌ها شناخت. در مقابل گروهی دیگر بر این اندیشه‌اند که انتظار مشروع، ماهیتاً نوعی منفعت شخصی است. این منفعت ناشی از توقعاتی است که شهروند مخاطب، آن دسته از توقعاتی که مستلزم ایجاد چنین منفعتی برای شهروند باشند، نوعاً انتظار موجه و مشروع تلقی می‌شوند و حفظ اعتماد عمومی به اداره، حمایت حقوقی از آنها را ایجاب می‌کند. با این حال این واقعیت، مانع از آن نیست که در مواقعی نظیر وجود منفعت عمومی مرجح، آنچه اعطا شده، سلب یا لغو نشود (زارعی و بهینا، ۱۳۹۰: ۳).

۷۵

انتظار مشروع، یک حق قانونی یا منفعت مستقر حقوقی منحصر به فرد و شناخته شده نیست، بلکه نوعاً توقعات عامی است که با اتکای شهروندان به قطعیت و ثبات حقوقی تصمیمات، اطلاعات، سیاست‌ها و رویه‌های اداری و اجرایی در ارتباط با کارگزاران عمومی و به ویژه مقامات و مراجع دولتی شکل می‌گیرد و حمایت از آن به شرط عقلانی بودن، امری ضروری محسوب می‌شود. به بیان بهتر، تحقق انتظار معقول، لازمه نیل به انتظار مشروع است و معقولیت انتظار، خود مستلزم آن است که تصمیم، اعلام یا رویه اداری مربوطه، مطلوب و مورد توجه شهروند مخاطب باشد، بنحویکه لغو یا ابطال آن موجب ضرر و زیان شهروند مذکور شود. چنین انتظاری، معقول محسوب و موجب انتظار مشروع است و اداره باید به آن احترام بگذارد (زارعی، ۱۳۸۰: ۲۰۳). انتظار مشروع را باید ماهیتاً یک اصل کلی حقوق اداری محسوب کرد. اصول کلی حقوق اداری هنجارهایی هستند که در رویه قضایی شکل گرفته و بر اداره و روابط آن با شهروندان و اشخاص خصوصی، حکومت دارند. این اصول، عمدتاً مسبوق به متون قانونی نبوده ولی در عین حال، دارای ارزش برابر با قانون هستند. لذا برای اداره لازم محسوب می‌شوند و رعایت آنها در کلیه اعمال و اقدامات توسط کارگزاران عمومی، ضروری است (هداوند و مشهدی، ۱۳۷۵: ۴۶).

از این منظر، انتظار مشروع ابزار قضاات برای کنترل اعمال و اقدامات کارگزاران عمومی در حیطه صلاحیت‌های اختیاری است که اگرچه نمی‌توان وجود آن را همواره در متون حقوق موضوعه جستجو کرد، اما نظر به اینکه از یکسو، محصول تحول اندیشه‌های مرتبط با مفهوم ادراه و نحوه تعامل و کنترل اعمال و رفتارهای آن با شهروندان است و از سوی دیگر، جنبه فراگیر و عام دارد، باید آن را نه نوعی حق یا منفعت بلکه ماهیتا یک اصل کلی حقوق اداری محسوب کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۴۶).

## ۲- ویژگی‌ها و انواع قاعده استاپل

پس از بررسی اجمالی مفهوم قاعده استاپل در حقوق بین‌الملل و مفهوم انتظارات مشروع در حقوق داخلی در این مبحث به بررسی ویژگی‌ها و انواع قاعده استاپل پرداخته خواهد شد.

### ۲-۱- عناصر و شرایط تحقق قاعده استاپل

عناصر و شرایط تحقق قاعده استاپل را به صورت ذیل می‌توان مورد بررسی قرار داد.

#### ۲-۱-۱- ایجاد یک فرض یا انتظار

اولین شرط برای تحقق قاعده استاپل ایجاد یک فرض یا یک انتظار نسبت به امور در آینده است. تعهد یا انتظاری که در نتیجه گفتار یا رفتار شخص خواننده نسبت به موضوعی، در ذهن خواهان ایجاد گردیده و در ولع اظهار یا تعهدی نسبت به رفتار آینده می‌باشد که چنانچه به نحو مناسبی انجام نگیرد خواهان را مستحق دریافت خسارت می‌کند. لازم به ذکر است که تعهد یا انتظار مناسب برای جبران خسارت به زعم قاضی پریستلی<sup>۱</sup> عبارت است از: «فرض یا انتظاری که در نتیجه پذیرش آن، قراردادی به وجود می‌آید یا تصویری ایجاد می‌گردد بدین نحو که در آینده تعهدی اجرا می‌شود، معامله‌ای انجام می‌گیرد و یا منفعتی به خواهان توسط خواننده اعطا می‌گردد، لذا جایی که خواننده از انجام دقیق توصیفات بیان شده ناتوان باشد، ملزم به پرداخت خسارت به خواهان می‌گردد» (Lindy & Sharon, 2005: 182). بیان این تفسیر از طرف قاضی پریستلی بیانگر ماهیت اساساً آینده‌نگرانه استاپل می‌باشد و شامل انتظار در مورد ایجاد هرگونه رابطه حقوقی میان خواهان و خواننده می‌گردد. البته لازم به ذکر است که ایجاد فرض یا انتظار نیاز به اهلیت نیز دارد و شخص می‌بایست نسبت به اظهاراتی که می‌نماید مجاز باشد. در واقع امری که به علت فقدان اهلیت و توانایی قانونی شخص، مستقیماً قابل انجام نیست نمی‌تواند بطور غیرمستقیم به وسیله استاپل انجام شود، بنابراین اگر شخصی از نظر قانون اهلیت و صلاحیت لازم برای انتقال حقی را نداشته باشد به وسیله استاپل نمی‌توان

<sup>1</sup> Priestly



وی را به انجام آن عمل یا انتقال آن حق ملزم و ماخوذ نمود و در نتیجه استاپل نمی‌تواند فقدها سمت یا اهلیت قانونی را جبران کند.

#### ۲-۱-۲- اظهارات صریح و روشن

بدون تردید واضح بودن اظهارات و توصیفات موجد استاپل یکی از شرایط و عناصر اساسی استاپل می‌باشد. انتظار یا فرضی که خواهان بر مبنای آن عمل کرده باید روشن و واضح باشد به این معنا که رفتار یا بیانی که توسط خواننده صورت می‌گیرد باید دارای آنچنان اوصافی باشد که یک فرض یا انتظار صریح و روشن را در ذهن خواهان ایجاد نماید و خواهان بر مبنای آن توصیفات کافی و روشن عمل نماید. لذا چنانچه توصیفات که توسط خواننده صورت می‌گیرد دارای این چنین شرایطی نباشد و خواهان تنها بر مبنای تصورات ناقصی که از رفتار یا گفتار خواننده در ذهنش ایجاد گردیده عمل نماید دیگر مسئله ماخوذ بودن طرف به آن اظهارات نمی‌تواند مطرح باشد و خواهان مستحق دریافت خسارت نمی‌باشد. در واقع توصیفی که بعنوان استاپل عمل می‌کند باید صریح، روشن و بدون ابهام باشد چرا که استاپل نمی‌تواند از استنباط شخصی از یک سری اظهارات یا رفتار نشأت گیرد.

#### ۳-۱-۲- وجود تناقض

۷۷

تعاریفی که از استاپل به عمل می‌آید و اصولی که استاپل بر آنها است، از جمله اصول «اظهارات متناقض مسموع نیست» و «هیچ کس نمی‌تواند از اظهارات متناقض خود منتفع گردد» گویای این مطلب است که وجود تناقض هسته اصلی استاپل می‌باشد. در اکثر تعاریف ذکر شده از استاپل نیز به این نکته اساسی اشاره شده که استاپل برای جلوگیری از ضرر و زیان ناشی از تناقض در رفتار و گفتار و مواضع طرف ماخوذ به استاپل است. در واقع اگر تناقض نباشد اعمال و گفتار زینبار موجد استاپل تابع اصل «هر عمل زینباری مستلزم جبران خسارت است» خواهد بود نه قاعده استاپل. در نتیجه باید بیان نمود که این تناقض است که مشخصه اصلی اعمال و گفتار موجد استاپل می‌باشد و آن را از دیگر رفتارها و گفتارهای زینبار مجزا می‌سازد (منصوریان، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

#### ۴-۱-۲- اعتماد به اظهارات و تغییر وضعیت

برای تحقق استاپل و در نتیجه آن جبران خسارت خواهان، ضروری است که خواهان به گفتار یا رفتار خواننده اعتماد کرده و در نتیجه این اعتماد دچار ضرر شده باشد لذا اگر خواهان قطعاً از عدم صحت آن گفتار، رفتار و یا انتظار ایجاد شده، آگاهی داشته و از واقعیت مطلع باشد، هیچ استاپلی ایجاد نخواهد شد. از طرف دیگر اگر فردی از گفتار یا رفتار دیگری بی‌اطلاع باشد قطعاً نمی‌تواند به استاپل متمسک گردد زیرا بدون شک کسی نمی‌تواند به چیزی که از آن بی‌اطلاع بوده اعتماد نماید.

نکته اساسی در مورد این شرط این می‌باشد که باور و اعتماد باید بنحو معقولی ایجاد شده باشد، به این معنی که هر فرد متعارف و معقولی در شرایط خواهان قرار می‌گرفت به آن رفتار و گفتار اعتماد و اتکا پیدا می‌کرد. به دیگر سخن چنانچه اعتماد خواهان به گفتار یا رفتار خواننده، اعتماد غیر معقول و نامتعارفی باشد یا به طریق غیر متعارف و نامعقولی حاصل شده باشد، در مقابل خواننده نمی‌توان مدعی ایجاد استاپل شد. در این رابطه تنها آگاهی واقعی خواهان شرط می‌باشد و نه هیچگونه اخطار قانونی یا حکمی مبنی بر اینکه گفتار یا رفتار نادرست می‌باشد.

## ۲-۲- انواع قاعده استاپل

بطور کلی استاپل در حقوق انگلیس و آمریکا به دو دسته اصلی و اساسی تقسیم می‌گردد، استاپل‌های ناشی از کامن‌لا (استاپل‌های حقوقی) و استاپل‌های ناشی از انصاف (استاپل ناشی از رفتار). در خصوص تفاوت میان این دو نظام حقوقی، می‌توان اینگونه بیان نمود که:

- در مورد عدم اجرای قرارداد، کامن‌لا تنها می‌توانست به پرداخت غرامت به متضرر از عدم اجرا، حکم کند. اما گاهی اجرای عین تعهد، ضمانت اجرای بهتری به حساب می‌آمد و این چیزی بود که خارج از توان دادگاه‌های کامن‌لا بود و لیکن با مراجعه به دادگاه‌های مهردار (انصاف) این خواسته میسر می‌شد.

۷۸ - کامن‌لا، دادرسی را مسابقه تلقی می‌کرد و نقش قاضی را صرفاً نقش داور می‌دانست به این معنی که هر یک از طرفین باید دلایل خود را اقامه کند و هیچ یک از آنها وسیله‌ای ندارد که طرف دیگر را به ارائه دلایلی که در اختیار اوست مجبور کند، در حالیکه دادگاه‌های مهردار عندالاجتضا می‌توانستند طرفین را ملزم به ارائه دلایل نمایند.

- آئین دادرسی انصاف هرگز دارای هیات منصفانه نبود و با آئین دادرسی کامن‌لا فرق داشت.  
- اعطای راه حل‌های انصاف جنبه دلخواهانه و خودسرانه داشت و در اختیار قاضی مهردار بود که به بهترین شکل عدالت و انصاف را ایجاد کند (صفایی و عراقی، ۱۳۹۴: ۱۸۱). بعد از آگاهی مختصر نسبت به تفاوت‌های کامن‌لا و انصاف در ادامه مبحث، به بررسی اقسام استاپل و معرفی هر قسم از آنها با توجه به تقسیمات کامن‌لا و انصاف می‌پردازیم.

## ۲-۲-۱- استاپل در کامن‌لا

دسته اول استاپل، استاپل‌های حقوقی یا تخصصی یا استاپل‌های برگرفته از کامن‌لا می‌باشد. این نوع از استاپل به علت اینکه ریشه در سیستم کامن‌لا دارد در مقابل استاپل ناشی از انصاف قرار می‌گیرد و برخلاف استاپل‌های ناشی از انصاف که اغلب منشأشان در کردار و گفتار شخص ماخوذ می‌باشد، از مدارک و اسناد طرفین و آرای دادگاه‌ها نشات می‌گیرد بعلاوه این نوع از استاپل به علت اینکه اغلب ناشی از روابط قراردادی است،

علیه هر دو طرف رابطه قراردادی قابل استناد می‌باشد در حالیکه استاپل‌های ناشی از رفتار (استاپل ناشی از انصاف) تنها علیه کسی قابل استفاده است که با رفتار یا گفتار خود دیگری را گمراه کرده است. این نوع از استاپل، اساساً از جدا کردن تعهدات یا وقایع موجود که طرف دیگر یک رابطه قراردادی بر آنها استناد کرده به این دلیل که موجب ضرر طرف دیگر است، جلوگیری می‌کند. مگر آنکه این تعهدات بعدها به توافقات طرفین الحاق گردیده و تاثیری در سرنوشت قرارداد اولیه نداشته باشد و یا اینکه وقایع موجود در زمان ایجاد تعهدات بگونه‌ای بوده که احتمال هرگونه تغییر در آنها بدون دخالت طرفین رابطه حقوقی وجود داشته است. ذکر این نکته نیز ضروری می‌باشد که اعمال استاپل نسبت به تعهدات قبلی یا وقایع موجود یا گذشته عاملی برای مجبور کردن افراد به پذیرفتن و پیوستن به تعهداتی که نیاز به قصد یا تعهد خاص دیگری دارد، نیست و به عبارت دیگر استاپل که برای رفع بی‌عدالتی‌های معاملی ایجاد گردیده خود نمی‌تواند سبب بی‌عدالتی و تحکم ناروا در معامله و یا رابطه حقوقی افراد گردد و به ناحق تعهداتی مازاد به تعهدات اولیه بر افراد تحمیل کند (افتخار جهرمی و شهبازی‌نیا، پیشین: ۳۰).

#### ۲-۲-۲- استاپل مبتنی بر انصاف

دسته دیگر از استاپل‌ها، استاپل مبتنی بر انصاف یا به زعم برخی نویسندگان حقوق انگلیس و آمریکا استاپل ناشی از رفتار می‌باشد که بخش بزرگتر و مهمتری اقسام استاپل‌ها را در بر می‌گیرد. علت اساسی بر استقبال عمومی ملل مختلف بر این نوع از استاپل‌ها ماخوذ بودن آن از عدالت و انصاف و ریشه اخلاقی این نوع از استاپل‌ها می‌باشد. منبع استاپل مبتنی بر انصاف تا حدودی که به حقوق قراردادهای مرتبط است در تصمیم قاضی دنینگ در سال ۱۹۴۷ در پرونده معروف به «High Trees» لحاظ گردیده است. وی به بیان این اصل کلی پرداخته که در جایی که تعهدی به صورت آگاهانه ایجاد می‌گردد و طرفین نسبت به آن بطور کامل استناد می‌نمایند، متعهد مجاز نخواهد بود عملی را خارج از آن تعهد و به طور متناقض انجام دهد که در نهایت به ضرر دیگر تمام شود. در این نوع از استاپل، شخصی با گفتار و کردار خود باعث می‌شود که شخص دیگر اعتقاد به وجود وضعیت خاصی پیدا کند و براساس این اعتقاد به زبان خود عمل کند، در این صورت شخص مزبور از اینکه وجود آن وضعیت را نفی کند ممنوع است. این سخن بیانگر این اصل در حقوق است که به موجب آن هنگامی که تضاد در رفتار، موجب زبان دیگری می‌گردد، حقوق تداوم و عدم تضاد را لازم می‌داند. کار استاپل مبتنی بر انصاف ایجاد منفعت مثبت برای شخص نیست و به خودی خود نمی‌تواند حق جدیدی به وجود آورد یا سبب دعوایی را فراهم نماید. استاپل مبتنی بر انصاف برای جلوگیری از زیان بکار گرفته می‌شود به عبارت دیگر کار استاپل حفظ حقوقی است که قبلاً به دست آمده و نه اعطای حقوق جدید (همان، ۵۶).

### ۲-۳- ویژگی و شرایط تحقق اصل انتظارات مشروع

برای تحقق انتظار مشروع، علاوه بر معقولیت انتظار، وجود مجموع شرایط ذیل در وضعیت مربوط نیز امری ضروری می‌باشد:

- محتوای تصمیم یا اعلام، باید واضح و بدون قید و شرط باشد. بدین معنا که همه مخاطبین، صرفاً یک حکم را از آن استنباط کنند و تحقق آن حکم نیز به وقوع امر دیگری وابسته نشده باشد.

- تصمیم یا اعلام مربوطه، مطلوب و مورد درخواست مخاطب باشد. بدین معنا که از رفتار مخاطب، تمایل وی به تداوم و بقای تصمیم یا اعلام، قابل احراز باشد.

- تصمیم یا اعلام مربوطه به اطلاع مخاطب رسانده شده باشد بنحویکه ضمن محاسبه و پیش‌بینی عواقب، به آن اتکا کرده و عدم شناسایی انتظار وی منجر به ایراد خسارت یا فوت منفعت او شود و این امر، بدون جبران باقی مانده باشد.

- اتکای مخاطب به تصمیم یا اعلام مربوطه، در حد متعارف انجام شده باشد بنحویکه انتظار وی از آنچه بطور طبیعی از تصمیم یا اعلام مربوطه قابل تصور است، بیشتر نباشد.

- تصمیم یا اعلام مربوطه، قابلیت انتساب مستقیم به فرد یا گروه خاص را داشته باشد. صدور گواهینامه یا مجوز فعالیت کسب و کار به نام یک شخص حقیقی و یا ابراز و عده‌ای خاص خطاب به جامعه معلمین، نمونه‌هایی از چنین تصمیم و اعلامی هستند.

- تصمیم یا اعلام مربوطه از جانب کارگزار عمومی یا دولتی اتخاذ یا اظهار شده باشد. در این مورد نیازی نیست که مقام دولتی حتماً در محدوده صلاحیت‌های قانونی خود، نسبت به اخذ تصمیم یا اعلام، اقدام کرده باشد (زارعی و بهنیا، پیشین: ۶-۷).

شاید ساده‌ترین دسته‌بندی وضعیت‌های منجر به ایجاد انتظارات مشروع، دسته‌بندی پل کریک باشد که این مسئله را در حیطه اصلی طبقه‌بندی کرده است:

- تصمیمات اداری که قطعی و مطلوب شهروندان هستند و بعد با یک تصمیم اداری دیگر لغو می‌شوند.  
- تصمیمات و وعده‌ها یا اظهارات مقامات عمومی که پس از اعلام، مقام اداری از تصمیم خود عدول کرده و منصرف می‌شود.

- بحث سیاست‌ها و خط‌مشی است. که این امر خود به دو قسمت تقسیم می‌شود: یکی اینکه سیاست‌ها توسط مقامات عالی تصمیم گیرنده اتخاذ شده و توسط خود این مقامات از تصمیم عدول می‌شود و دیگر اینکه سیاست‌ها توسط مقامات، اتخاذ شده ولی در نهایت به دلیل تغییر خط‌مشی‌های کلان حکومت و نظام سیاسی، مقام اداری تصمیم گیرنده، سیاست خود را در راستای خط‌مشی‌های کلان جدید تغییر می‌دهد (همان، ۹).

در ادامه باید گفت بعنوان یک اصل کلی، کارگزاران عمومی موظفاند از اختیارات خویش در جهت تقویت و حمایت منافع عمومی استفاده کنند و برای انجام این مهم، ناگزیر از رعایت برخی محدودیت‌های قانونی هستند. در این راستا، خود محدودسازی و قانونیت، اصولی هستند که در اکثر نظام‌های حقوقی اداری توسعه یافته وجود داشته و اعمال می‌شوند. با این حال، گاهی اوقات وجود اصول مذکور نیز مانع خروج مقامات اداری از چارچوب اختیارات قانونی و یا انصراف و عدول از تصمیمات و اعلامات قانونی سابق نیست. تغییر خودسرانه و بدون ضابطه تصمیمات و اعلامات اداری توسط کارگزاران عمومی، به ویژه اگر با هدف انتفاع و بهره‌برداری برای خود یا گروه معینی از اشخاص صورت گیرد، یکی از مصادیق بارز فساد اداری محسوب می‌شود. بروز این پدیده صرف‌نظر از کاهش اثربخشی و مشروعیت دولت، نظم و امنیت فردی و اجتماعی شهروندان را نیز به خطر می‌اندازد. بدیهی است در فرض تحقق حالات اخیر، نه تنها منافع عمومی بلکه حتی خواسته‌ها و انتظارات معقول شهروندان نیز با خطر ورود لطمات و آسیب‌های جدی، مواجه و به این جهت حمایت حقوقی از آنها، امری ضروری و غیرقابل اجتناب تلقی خواهد شد.

با این وجود، اینکه چگونه باید به حمایت حقوقی موثر از انتظارات شهروندان پرداخت و به چه نحوی باید مقامات اداری را به تبعیت از خواسته‌های مشروع ناشی از تصمیمات و اعلامات سابق‌شان ملزم کرد، مستلزم شناخت وضعیت‌هایی است که در آن انتظارات شهروندان مورد تهدید قرار می‌گیرد. در این خصوص تاکنون ۸۱ مطالعات تطبیقی مبین شناسایی چهار وضعیت عملی بوده که طی آنها انتظارات مشروع شهروندان توسط مقامات و مراجع اداری، نادیده گرفته شده است:

- مقام اداری راجع به فرد یا گروهی محدود و مشخص، تصمیمی رسمی اتخاذ می‌کند ولی متعاقباً از عمل به آن منصرف می‌شود؛

- مقام اداری اعلام می‌کند که در ارتباط با فرد یا گروهی محدود و مشخص، از رویه یا خط‌مشی خاصی پیروی می‌کند، ولی متعاقباً اقدامی می‌کند که با محتوای اعلام پیشین ناسازگار است؛

- مقام اداری، رویه یا خط‌مشی تصمیم‌گیری خود در ارتباط با برخی موضوعات را منتشر کرده ولی متعاقباً در موردی خاص، از آن عدول می‌کند. این عمل، ضمن زوال انتظارات شخص یا اشخاص ذینفع، به جهت ایجاد برخوردی دوگانه با مخاطب اصلی و سایر شهروندانی که مشمول رویه یا خط‌مشی اعلام شده بوده‌اند، مغایر اصل برابری در مقابل خط‌مشی‌ها و رویه‌ها هم محسوب می‌شود. از این‌رو، توجیه لزوم حمایت از انتظارات در این وضعیت، به قوت توجیهی است که در وضعیت اول مطرح است؛

- مقام اداری نسبت به ابراز اعلام یا اخذ تصمیمی عمومی اقدام می‌کند ولی متعاقباً به دلیل تغییر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان اداره یا حکومت، ناگزیر از اعلام یا تصمیم سابق خود عدول کرده یا انصراف می‌دهد.

حمایت حقوقی از انتظارات در این وضعیت، اندکی دشوار است، زیرا سیاست‌های کلان اداره و حکومت اصولاً قواعدی دائمی نیستند و به این جهت، تصور دوام و بقای همیشگی آنها انتظار معقولی محسوب نمی‌شود. در هر حال در تمامی وضعیت‌های چهارگانه فوق، فرض بر این است که عدم توجه به انتظارات مشروع شهروند مخاطب، ضمن ایراد خسارات جدی به وی، موجب تخدیش اعتماد و اطمینان عمومی به اداره نیز می‌شود (همان، ۱۶-۱۴). در نهایت امر، می‌توان بیان نمود که:

اول: اصل انتظارات مشروع مفهوم واضح و شفاف نیست بلکه مبهم است. لذا قضات را درگیر بحث‌های تحلیلی و مفهومی می‌کند و موجب سرگردانی قوه مجریه و مقامات اجرایی می‌گردد؛  
دوم: از ملاحظات عملی استنباط می‌شود که پذیرش اصل انتظارات مشروع به وسیله قوه قضائیه موجب بالا رفتن حجم درخواست‌ها و دادخواست‌های تجدیدنظر قضایی است (دولتی تپه رشت، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۲)؛  
سوم: شناسایی این اصل موجب محافظه‌کاری و کتمان‌کاری مقامات دولتی می‌شود.  
و در نهایت لازم است بیان گردد که اصل انتظارات مشروع در حوزه قضایی و حوزه قانونگذاری تاکنون قابلیت اعمال نداشته و بیشتر در حوزه اجرایی و درباره اقدامات و تصمیمات قوه مجریه اعمال شده است.

### ۳- گستره اعمال قاعده استاپل

۸۲

در این بخش سعی بر آن است که به بررسی اعمال قاعده استاپل در دو حوزه مختلف حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی پرداخته شود. بدین منظور ابتدا به بررسی این قاعده در حقوق کشورهای مختلف پرداخته و سپس به بررسی اعمال اصل انتظارات مشروع در حقوق عمومی داخلی می‌پردازیم.

#### ۳-۱- اعمال قاعده استاپل در حقوق کشورهای مختلف

علی‌الاصول قاعده استاپل در جوامع حقوقی مختلف با رویکردهای متفاوتی مورد پذیرش و اجرا قرار می‌گیرد. این امر به علت جایگاه این قاعده در دل قواعد مرتبط با اصل ضرورت حسن نیت یا اصل انصاف است که کم و بیش مورد پذیرش تمام ملل قرار گرفته‌اند و خود اذعان بر این دارد که قاعده استاپل نیز نظیر قواعد مرتبط با ضرورت حسن نیت در معاملات، جنبه جهانی داشته و از منظر حقوق تطبیقی دارای پایگاه محکمی می‌باشد. دکترین اولیه استاپل خود بر دو امر اساسی تضاد در رفتار خواننده دعوی استاپل و اعتماد و اتکا خواهان بر اظهارات ارائه شده توسط خواننده منطبق می‌باشد، نظام‌های حقوقی متفاوت با توجه به تاکیدشان به هریک از این دو عنصر اساسی، برای تحقق استاپل نتایج مختلفی گرفته‌اند که بر شیوه تلقی آنها از نهاد استاپل و النهایه شیوه قانون‌نویسی‌شان تاثیر مستقیم گذاشته است.

بعنوان مثال در حقوق کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا و انگلیس، تضاد در رفتار و اظهارات شخص است که مهم می‌باشد و امکان اجرای استاپل را فراهم می‌آورد و تحت عنوان «اصل ظهور» یا «اصل نمود» بیان

می‌شود. در مقابل در حقوق کشورهایی نظیر سوئیس، تاکید بر جلوگیری از سوء استفاده از باور و اعتماد طرف مقابل و جلوگیری از قرار دادن وی در وضعی است که مجبور شود علیرغم باور خود، به آن وضع تکیه نماید. اصل اعتماد نیز نظیر اصل ظهور مبتنی بر اصل حسن نیت در حقوق رومانیستی می‌باشد و در حقوق کشورهایی نظیر سوئیس می‌تواند پشتوانه حقوقی محکمی برای اعمال قاعده استاپل ایجاد نماید.

مطابق حقوق انگلیس ایجاد وضع ظاهری باید آگاهانه باشد بدین معنی که طرف مقابل علیرغم باور درونی خود باید وادار به قبول آن وضع شده باشد.

در حقوق فرانسه نیز آنچه مدنظر قانونگذار می‌باشد منع رفتار متناقض فردی است که آگاهانه وضع ظاهری را ایجاد می‌نماید تا طرف مقابل آن وضع را باور و بر باور قبلی خودش ترجیح دهد (افتخار جهرمی و شهبازی‌نیا، پیشین: ۲۳-۲۲).

در حقوق کشورهای آلمان و ایتالیا، تعبیری نظیر اینکه «هیچ اظهاری نمی‌تواند خلاف واقعیت موجود باشد» یا «اظهار خلاف واقعیت موجود ممکن نیست» وجود دارد که بیانگر نزدیکی مفهوم استاپل و تئوری ظواهر امر در حقوق این کشورهاست (همان، ۲۴).

حقوق سوئیس قاعده منع تناقض‌گویی به ضرر دیگری را با ضرورت حسن نیت، اصل اعتماد و همچنین تئوری منع استفاده از حق مربوط می‌سازد. بر همین اساس یک رای مشهور دادگاه فدرال در سال ۱۹۴۳ ۸۳ میلادی اعلام می‌دارد هرگاه روش شخصی با رفتار قبلی وی تضادی بارز داشته باشد یک تناقض‌گویی به ضرر دیگری محسوب شده که باید آن را سوء استفاده از حق دانست (قدرتی، ۱۳۸۶: ۶۹).

گذشته از طرز برخورد نظام‌های حقوقی مختلف با قواعد جهان‌شمولی نظیر قاعده ضرورت حسن نیت در معاملات یا قاعده انصاف در دادرسی، جهت پذیرش مستقیم نهاد استاپل یا جهت پذیرش مکانیزم‌های خاص قاعده استاپل هنوز در میان قواعد حقوقی بسیاری از کشورهای جهان مقرر خاصی که بیانگر رویکرد مستقیم به این نهاد و پذیرش صریح آن در کنار سایر قواعد حقوقی باشد به چشم نمی‌خورد. در ادامه به بررسی قواعد حقوقی و رویه‌های قضایی برخی از کشورهای جهان در خصوص نهاد استاپل بطور خاص می‌پردازیم،

می‌توان گفت اولین رگه‌ها از پذیرش نهاد استاپل در نیوزلند رای صادره دادگاه تجدیدنظر نیوزلند در خصوص دعوی «Waltson Stoyes LTD V. Maher»، در سال ۱۹۸۸ می‌باشد که ضمن آن این دادگاه با پذیرش تحقق استاپل در رفتار خواننده، حکم داد که اولاً برای استناد به استاپل لزومی به وجود یک رابطه قراردادی از پیش موجود نمی‌باشد و ثانیاً هرگونه معیاری که به سبب آن استاپل تنها بعنوان سپر مورد استفاده قرار گیرد از میان رفته و استاپل به هر شکل می‌تواند سبب دعوی را فراهم آورد و ثالثاً مهمترین رکن دکتترین استاپل، انجام رفتار نامعقول از ناحیه خواننده است که باید مورد منع قرار گیرد. پس از آن دیدگاه‌های مشابهی

در ذهن دادرسان سایر دادگاه‌های نیوزلند درخصوص نهاد استاپل به وجود آمد و آنها بارها به استاپل استناد و براساس آن رای صادر نموده‌اند (همان، ۷۰).

در حقوق ژاپن استاپل به معنایی که مرسوم است وجود ندارد. هرچند دادگاه‌های این کشور بارها براساس استاپل رای صادر نموده‌اند و استاپل‌های مبتنی بر انصاف نیز بعنوان اصل اعمال حسن نیت در ژاپن مطرح می‌باشند. در حقوق این کشور دامنه اعمال اصل حسن نیت شامل مرحله پیش از قرارداد نیز می‌باشد و بر این اساس هنگامی که مذاکرات قراردادی توسط یک طرف به غلط نابود می‌گردد و همچنین جایی که مذاکرات پیش از قرارداد سبب ایجاد انتظار مشروع در نزد یک طرف شده و او را به اشتباه انداخته و در این حال طرف دیگر قصد فسخ یا از بین بردن این مذاکرات را دارد، دادگاه‌ها حکم به پرداخت خسارت به طرف بیگناه می‌دهند. البته حوزه پرداخت خسارت را محدود به خسارت واقعی یا هزینه‌های مربوط به اعتماد می‌نمایند.

در حقوق آمریکا برخلاف ژاپن و بسیاری دیگر از کشورها که در میان قواعد و مقررات مصوب‌شان هنوز جایی برای استاپل و اقسام مختلف آن باز نکرده‌اند استاپل مانند دیگر نهادهای متمدن و حقوقی، مورد قانون‌نویسی و تصویب قرار گرفته است. ماده ۹۰ قانون قراردادی ایالت متحده آمریکا درخصوص استاپل از وعده اینگونه توضیح می‌دهد: متعهدی که طرف دیگر را به ایجاد عملی یا خودداری از عملی به نفع متعهدله ترغیب کرده و سبب ایجاد انتظار معقولی نزد وی شده، چنانچه رفع بی‌عدالتی تنها از این راه ممکن باشد ملزم به انجام آن تعهد می‌باشد. برای تحقق استاپل بر وعده براساس این مقرر، چهار عامل توسط حقوقدانان آمریکایی لازم شناخته شده است.

- وجود تعهدی واضح و روشن که مربوط به آینده باشد بنابراین صرف اظهار عقیده یا پیش‌بینی کافی نیست؛
- متعهدله باید دلایلی برای پذیرش تعهد و ایجاد اعتماد داشته باشد؛
- تعهد انجام شده باید متعهدله را به ایجاد اعتماد واقعی ترغیب کند، که نتیجه آن گمراه شدن و ایجاد انتظار معقول نزدی وی باشد؛
- اوضاع و احوال آنچنان باشد که رفع بی‌عدالتی تنها از راه جبران خسارت ممکن باشد.

به این ترتیب در حقوق آمریکا ماده مورد اشاره، شماری از محدودیت‌ها درخصوص لزوم وجود عوض در رابطه قراردادی را از بین برده و دکترین استاپل مبتنی بر انصاف را بر عقیده منصفانه رفتار غیرمعقول، بنا نهاده است (قدرتی، پیشین: ۷۳).



### ۳-۲- اعمال اصل انتظارات مشروع در حقوق عمومی داخلی

در این مبحث به این امر پرداخته خواهد شد که در کدام تصمیمات و وضعیت‌ها انتظارات مشروع به رسمیت شناخته می‌شود و همچنین تصمیم‌گیری کدام دسته از مقامات عمومی مشمول بحث می‌گردد.

در پاسخ باید بیان نمود که چهار وضعیت عملی قابل شناسایی است که در آنها انتظارات مشروع نادیده گرفته می‌شود. در ذیل اختصاراً مواردی را در این خصوص بیان می‌نمائیم.

- هنگامی که یک مرجع دولتی راجع به یک شخص یا گروهی محدود تصمیمی رسمی اتخاذ می‌کند و سپس از آن روی بر می‌گرداند.

- هنگامی که یک مرجع دولتی آشکارا یا به نحو ضمنی اعلام می‌کند که رویه یا سیاست خاصی را در ارتباط با یک فرد یا گروه دنبال می‌کند و سپس تصمیمی می‌گیرد که با اعلام پیشین خود متفاوت است.

- هنگامی که یک مقام دولتی رویه یا خط‌مشی خود، در ارتباط با اتخاذ برخی تصمیم‌ها را اعلام عمومی می‌کند و سپس از رویه موردنظر در موردی خاص عدول می‌کند.

- هنگامی که یک مرجع دولتی به دلیل آنکه در فاصله اعلام اولیه و گرفتن تصمیم، رویه یا خط‌مشی آن تغییر کرده از اعلام کلی و عمومی خود روی بر می‌گرداند (شونبرگ، ۱۳۸۷: ۳۳).

در بحث مقامات هم لازم به ذکر است یک ایده کلی وجود دارد که انتظار مشروع صرفاً در حوزه حقوق اداری ۸۵ و در نتیجه در ارتباط با مقامات قوه مجریه، مشخصاً رئیس‌جمهور، وزراء، استانداران، فرماندهان و کسانی که در ارتباط با امور اجرایی هستند مطرح می‌شود و در حوزه‌های دیگر کاربردی ندارد.

بعبارت دیگر، در بحث قوای مقننه و قضائیه اگر با دید کارکردگرایانه به اصل انتظار مشروع و به قلمرو آن نگاه کنیم در رویه‌های قضایی می‌توان آرای را پیدا کرد که تصمیماتی را که مربوط به امور اداری در حوزه قوه مقننه یا قضائیه هم بوده مشمول اصل انتظار مشروع قرار داده‌اند. در حقیقت می‌توان گفت کارویژه‌های قوه مقننه و قضائیه یعنی قانونگذاری و صدور رای به این دلیل از انتظار مشروع کنار گذاشته شده‌اند که مکانیزم‌های خاص تجدیدنظر، تغییر و اصلاح در آنها، در قوانین وجود دارند و نیازی به پذیرش این اصل دیده نمی‌شود. بعد از بیان مطالب فوق جا دارد به این مسئله پرداخته شود که آیا مقامات عمومی می‌توانند از انجام تصمیم یا فعالیتی، تنها با استناد به اینکه خارج از صلاحیت‌شان بوده امتناع ورزند؟ بعبارت دیگر عدم تغییر تصمیمات فقط شامل تصمیمات داخل در صلاحیت می‌باشد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت اصل خروج از صلاحیت می‌گوید اگر مقامات تصمیمی را گرفتند که خارج از حیطه اختیارات آنان بود نباید آن تصمیم را اجرا کنند و در صورت اجرا، این مقامات مرتکب یک کار غیرقانونی شده‌اند و از لحاظ اصل مذکور مهم نیست که این تصمیم غیر عادلانه است و به حقوق فردی که بر صحت آن تصمیم تکیه کرده تعرض می‌کند. در این

جاست که انتظارات مشروع پا به میان می‌گذارد و در راستای کارکردش که پیشبرد عدالت و انصاف می‌باشد عمل می‌کند بطوریکه مطلقیت اصل خروج از صلاحیت را از بین می‌برد و امکان استناد مقامات به اصل را در مورد تصمیم گرفته شده و در مقابل شهروندان از آنان سلب می‌کند. در نهایت می‌توان بیان نمود که انتظارات مشروع در زمینه تصمیمات داخل در صلاحیت نیز کاربرد دارد بدین نحو که مقامات دولتی نمی‌توانند تصمیمات خود را تغییر دهند مگر اینکه منفعت عمومی چنین اقتضا کند. بعبارت دیگر مقامات عمومی تنها در موردی می‌توانند تصمیمات داخل در صلاحیت خود را تغییر دهند یا لغو کنند که منفعت عمومی موثرتری نسبت به مزایای کسب شده توسط آن تصمیم برای افراد در میان باشد (عارف‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۲).

### نتیجه‌گیری

قاعده استاپل بعنوان یکی از اصول بنیادین حقوق، امروزه در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی دارای کاربرد و فواید فراوانی است. یکی از اثرات مهم قاعده این است که دولت‌ها را مایه رفتار و گفتار و توصیف‌هایی می‌نماید که گفته می‌شود به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند چرا که آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند دال بر قصد و اعتقاد و برداشت حقوقی آنها از یک واقعیت است و نمی‌توانند هر وقت منافع‌شان ایجاب نمود موضع و رفتاری متناقض با گذشته اتخاذ نمایند. برخی استاپل را به این علت که مانع ارائه دلیل مخالف است در جایگاه نظم عمومی و اخلاق حسنه قرار داده‌اند و لیکن هرچند استاپل از این حیث شبیه نظم عمومی است اما برخلاف قواعد مربوط به نظم عمومی اولاً استاپل‌ها همه قابل اعراض می‌باشند و ثانیاً لزوم استناد شخص ذینفع به قاعده استاپل از جمله شرایط تحقق این قاعده می‌باشد و در واقع بیانگر تفاوت بین نظم عمومی و استاپل است چرا که برای به جریان افتادن عمومی نیازی به استناد طرفین دعوی نمی‌باشد بلکه خود دادگاه موظف به رعایت آنها است و این برخلاف آن چیزی است که در مورد استاپل گفته شد.

در هر حال بعنوان یک اصل کلی، اکثر حقوقدانان قاعده استاپل را یک قاعده عام در حقوق بین‌الملل می‌دانند که به لحاظ ماهیت حقوقی، هم کاربرد شکلی دارد و هم ماهوی، بدین معنی که گاهی بعنوان قاعده‌ای از ادله اثبات دعوی امری را ثابت و یا از اثبات آن جلوگیری می‌کند و گاهی بعنوان یک قاعده حقوقی ماهوی موجد حق بوده و یک طرف را ذیحق و طرف دیگر را محکوم می‌نماید.

در حقوق ایران با عنایت به شباهت محتوای قواعد فقهی نظیر قاعده لاضرر، قاعده غرور و قاعده حقوقی منع انکار پس از اقرار با قاعده استاپل که دلیلی بر وجود و پذیرش این قاعده می‌باشد، می‌توان امکان استناد به این قاعده را حداقل از حیث محتوا در جریان دادرسی‌های قضایی مثبت ارزیابی کرد. با این حال باتوجه به ضعف قانونگذاری در این خصوص و اغلب ناآگاهی حقوقدانان و قضات در خصوص ماهیت این قاعده نمی‌توان آن را جزء قواعد و مقرراتی حقوقی برشمرد که روابط افراد بدون تصریح به آن منصرف گردد. شایان ذکر

است که قاعده استاپل در حقوق عمومی داخلی کاربرد ندارد و علت آن وجود مفاهیم مشابهی چون حقوق مکتسب و اصل انتظارات مشروع می‌باشد که جایگزین این قاعده در روابط ما بین دولت و اشخاص شده است. انتظارات مشروع همن توقعات و خواسته‌های معقول شهروندان، ناشی از اتکای به تصمیمات، اعلامات، برنامه‌ها و سیاست‌های مقامات و مراجع اداری در محدوده صلاحیت‌های اختیاری است که در صورت لغو، عدول یا انصراف از تصمیمات یا اعلامات مورد نظر، زایل شده و از بین می‌رود. از این رو رعایت انصاف و عدالت ایجاب می‌کند که انتظارات یاد شده مورد توجه و حمایت حقوقی قرار گیرد.

در حقوق عمومی ایران می‌توان عناصر اولیه حمایت از انتظار مشروع را پیدا کرد و با عنایت به دلالت تلویحی برخی از استدلال‌ات انجام شده در قضایای مربوطه مبنی بر پذیرش انواع مختلف ساز و کارهای تضمین حقوقی احترام به انتظارات مشروع، به نظر می‌رسد بستر لازم برای پذیرش و اعمال سریخ این اصل به مثابه ابزاری برای کنترل قضایی اعمال دولت، در رویه قضایی نهادهای مربوطه در ایران، فراهم شود. ولی بایستی دنبال رگه‌هایی از مفهوم مشابه و مصادیق و انواع حمایت‌های نسبی که مشابهت‌هایی به این مفهوم دارند گشته و بر منزلت این مفهوم اضافه نمود تا بدین وسیله بتوان جایی نیز در ادبیات غنی حقوقی کشورمان برای این مفهوم باز نمود و خلاهای قانونی در این زمینه هرچه زودتر با کمک دید وسیع قضات و حقوقدانان ما از میان برداشته شود.

## فهرست منابع

### فارسی:

- ۱- افتخار جهرمی، گودرز و شهبازی‌نیا، مرتضی (۱۳۸۳)، «بررسی قاعده استاپل در حقوق انگلیس و آمریکا»، مجله دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، ش ۳۰.
- ۲- دولتی تپه رشت، مهدی (۱۳۸۹)، «بررسی جایگاه انتظارات مشروع در حقوق اداری ایران»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۳- زارعی، محمد حسین (۱۳۸۰)، «اختیارات فوق‌العاده عالی‌ترین مقامات اجرایی»، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد، ش ۲۰.
- ۴- زارعی، محمدحسین و بهینا، مسیح (۱۳۹۰)، «تاملی بر امکان اعمال اصل انتظار مشروع در دیوان عدالت اداری»، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد، ش ۶۱.
- ۵- شونبرگ، سورن (۱۳۸۷)، انتظارات مشروع در حقوق اداری، مترجم: احمد رنجبر، تهران: نشر میزان.
- ۶- صفایی، حسین و عراقی، عزت‌اله (۱۳۹۴)، نظام‌های بزرگ حقوق معاصر، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷- عارف‌نیا، امید (۱۳۸۵)، «بررسی قاعده استاپل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران.

- ۸- فلسفی، هدایت‌اله (۱۳۷۰)، «روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۹.
- ۹- قدرتی، ایمان (۱۳۸۶)، «بررسی تطبیقی قاعده استاپل و تاسیسات مشابه در فقه و حقوق ایران»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق خصوصی*، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵)، *حقوق انتقالی، تعارض قوانین در زمان*، تهران: نشر دادگستر.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، «استرداد دعوا در حقوق بین‌الملل»، *بانک اطلاعات قوانین کشوری دادگستری استان تهران*، [www.ghavanin.com](http://www.ghavanin.com)
- ۱۲- گایار، امانوئل (۱۳۶۵)، «استاپل یا منع تناقض‌گویی به زیان دیگری»، مترجم: ناصر صبح‌خیز، *مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌الملل*، ش ۶.
- ۱۳- ملک، شاو (۱۳۷۲)، *حقوق بین‌المللی عمومی*، مترجم: محمدحسین وقار، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۴- منصوریان، ناصر علی (۱۳۸۰)، «انصراف از استرداد دعوی در دعاوی بین‌المللی»، *مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی*، ش ۱۴.
- ۱۵- هداوند، مهدی و مشهدی، علی (۱۳۷۵)، *اصول حقوق اداری*، تهران: نشر خرسندی.

لاتین:

۸۸

- 16- Black, Hisher (2009). *Black Law Dictionary*, West Group.
- 17- George, Spencer (1977). *The Law Rlating to Estoppel by Representation*, London: Butterworths.
- 18- Langan, Star (1976). *Civil Procedure and Evidence*, London: Sweet and Maxwell.
- 19- Lindy Willmott and Sharon, Christen (2005). *Contract Law*, New York: Oxford.
- 20- Martin, Arin (1990). *A Concise Dictionary of Law*, New York: Oxford University Press.